

ترجمه: فاطمه علیزاده. عضو گروه تحقیقات طب سنتی ایران، مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران.



این مقاله ترجمه‌ای است از فصل طب مکمل و جایگزین از بخش اول کتاب هاریسون ۲۰۰۵ که بعنوان مقدمه ورود به بحث طب بالینی توسط Stephen E. Straus نوشته شده است.

تاریخچه:

پژوهشی، در گذشته نه چندان دور قلمرو یک پزشک و همکاران پرستارش بود و اکنون دستگاه متعددی از متخصصین و حرفه‌های متعدد از جمله رادیولوژیست‌ها، سلول شناس‌ها، پرستاران، روان‌شناسان اجتماعی، دندان پزشکان و بسیاری دیگر را درگیر خود می‌کند که باعث می‌شود امکان توانایی بی‌سابقه برای افزایش طول عمر و با کیفیت مطلوب ایجاد شود. این تکامل سیستم حفظ سلامت توسط حرکت نیرومندی از بررسی‌های انتقادی و تحقیق‌های رسمی که بعضی درمانهایی که قبل از مورد قبول بود وارد کرده و فوریت روشهای جدید که برای پذیرش رقابت می‌کنند را تسهیل می‌کند، بدست آمده است. تنها نیاز است که یک شخص سری ویرایش‌های این کتاب را جهت درک و سعیت ای. تغییرات به دقت بینه ایند.

فакتورهای دیگری نیز تغییرات تکاملی در پژوهشی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. ماحصل مهاجرت‌ها و تغییرات آماری جمعیت، افزایش جمعیت‌های متین‌باز که هر کدام سنتهای خودشان را ارزش می‌نهادند، بود. انتظارات مردم از سلامت و خود طبیعت سیستم حفظ سلامت توسط دستیابی

عضر و ریز و عصی و نجاع و دماغ و بالاچه استخوان که سردرزین و حشک ترین طبایع را دارد (بیوست و برودت) همچنین موطوب ترین اعضاء، پیری است، پس از آن یه و گوشت و معز و دماغ و نجاع و حشک ترین اعضاء مو است میس استخوان و عضروف و عصی و وزیر و ریز و قیم علیه‌ها ارواح، که جمیع روح است و آن به اصطلاح اطا، عبارت از بخار خون طبیعی تخلص از لطائف اعذنه است و آن را روح جوانی و محل قوت حیات نامند. چون قسمتی از آن به دماغ آید، روح نفسانی را به وجود می‌آورد که مبدأ حس و حرکت است، و چون قسمتی از آن به کبد رود و استحاله یابد، باعث اعمال تغذیه و نمو شود و آن را روح طبیعی نامند. به عبارت دیگر، تولید ارواح از لطائف اخلاق است و اعضا از کنایت آها، و ارواح حامل و مرک فرا هستند، زیرا همچو روحی ندانوں قوت نمی‌باشد.

قوای جمع فرت است و قورت به معنی قدرتی است که در وجود حیوان نهاده شده، تا تواند از حود کارهای راهه وجود اورده و از کارهای شاق و سخت خسنه شود و از عمل و فعل یاز نماید. قورا راهه دو گروه تقسیم می‌کنند: یکی اینها که برای بقای شخص هستند و دیگری که برای تعابی از نوع است. دسهه اول سه قسم است، قوه نفسانیه، قوه حیوانیه و قوه طبیعیه قوه نفسانیه می‌تواند اعمال دماغ و معز است، سمعور و ادرار و کنترل حس و حرکت را نظر آن است و اعصاب الات و حادم آن هستند. قوه حیوانیه می‌تواند اعمال حسی ارادی یعنی لبست، کمر کزان و رفاقت است و بروائی الات و حادم آن است. اما قوه طبیعی که برای بقای انسان نیز تخلیه ایست، مرک ازان و مرک دست را حادم آن و اراده هاستند. قوه مربوط طبقه بقای نوع که مرک آن درست و تخلیله است و قیمی مذکور را به اقسام دیگری تری قسم که در اینجا از دیگر اینها معرفت نداریم.

از این طبقه انسان از افرادی است که مخصوصاً در میان افرادی که از این اتفاقات برخورده‌اند، از این طبقه رهبری، ملکیت و سکونتی دارند. این دو بیان به دو
حکایی ممتاز از این طبقه است. از این حکایی ممتاز این است که مکانی که پیرامون این اتفاقات در اخلال طبیعت اعضاً و ارماح
حکایی صورت نمی‌گیرد. از این حکایی ممتاز دویست آنچه در قدر می‌تواند این اتفاقات را باشد، این
اورز و بالا از این اتفاقات اهمیت دارد. این اتفاقات در این مکانی که از این اتفاقات برخورده‌اند، این
درینه همچوپن می‌باشد و مراحت و طافت برخواست که می‌توان مبتلک را چشم-سلامه تکرد
که بروزیم که علت این اتفاقات شناخته‌شده‌اند. از این حکایی ممتاز دارای طایف و مراج‌های
مختلف هستند و احوال و اعیان و تضليلات و زانیت‌های اینها هم کمی و هم کمی
است. صحت و سند سی هر کسی که می‌داند می‌تواند این اتفاقات را بر این
بدن و روان اوست که آن را فطرت اولیه کویند. هادام که خود انسان بن فطرت و
استعداد را نغیر نماید، بدن بعادل جوییں را ادارا خواهد بود و اگر مறح شد، پیمار
خواهد شد. این انحراف ممکن است از حوزه‌ک و عوامل سازمانی و داخلی شروع
شده، در اخلاله، مراج، قوا، اعضاء، ارواح و افعال و خلاصه همه مشخصات طبیعت
بدن اتفاق افتاد. عوامل مزبور ممکن است در حد نفس یا روح انسان یا موجودات
محیطی آن اعم از جماد و بیات و حیوان و انسان و زمین و غیره باشد. وظیفه پژشك
نشان دادن راه هایی است که به وسیله آنها شخص بتواند تعادل حقیقی و فطري
جوییش را به معانی زمان، مکان، سی، نوع فعالیت، شغل و زندگی مخصوص به خود
نگه دارد و در صورتی که به علیه از وضع طبیعی خود مறح شد، آن را به وسائل
ممکن به حال اول بازگرداند یا حتی المقدور از اثرات سوء حاصله جلوگیری کند.
مسئلماً پیماری‌ها یا نایاپیض حلقاتی از این قاعده مستثنی نخواهد بود زیرا این حلقاتی
است و خود فطرت از ابتدای غیر طبیعی بوده و پژشك نمی‌تواند آنها را به کلی زايل
کند، ولی ترمیم ظاهری آنها را خلاودی امکان پذیر خواهد بود.

بی سابقه به منابع اطلاعات، اجناس و سرویس‌ها (خدمات) تغییر یافته است. ضرورت طب مکمل و جایگزین یک نمایه و تظاهر از این تغییرات در سیستم حفظ سلامت می‌باشد.

تعاریف:

در همه نسل‌ها روش‌های درمانی وجود دارند که توسط جریان اصلی قابل قبول نمی‌باشند. به آنها باطن و تردید نگاه شده و به عنوان امری غیرمقبول و غیرمعقول عزل می‌شوند. برای مدتی، روشهایی که درخواست‌ها و مراجعین به دنبال آن وجود داشت ولي به طور دقیق آزمایش نشده بودند، غیررسمی و خلاف عرف فرض می‌شد. در طول دهه گذشته یا بیشتر، طب جایگزین یا مکمل نامیده شده‌اند (CAM) تا استفاده شان را به ترتیب به عنوان ضمیمه یا به عنوان جانشین و یا درمانهایی که بیشتر توسط عموم مورد قبول‌منعکس کنند. تا هم اکنون به درمانهایی که بطور گسترده در مدارس پزشکی تدریس نمی‌شود یا استفاده نمی‌شود می‌توان طب سنتی و مکمل اطلاق کرد. با این حال، دانشجویان پزشکی بطور فزاینده به دنبال دریافت دستوراتی از طب سنتی و مکمل می‌گردند. در ۵ سال گذشته، کلمه دیگری اختراع شد، طب یکپارچه یا تلفیقی! تا با تشویق پیشنهاد کند که بعضی روش‌های طب سنتی و مکمل و پزشکانی که آنها را ارائه می‌دهند، ارزش اضافه شدن به مجموعه سیستم حفظ سلامت را دارند.

وسعت:

هزاران درمان و محصول‌هایی که طب سنتی و مکمل را دربر می‌گیرند، می‌توانند به ۵ حوزه که تا حدودی هم پوشانی دارند تقسیم بندی شوند. رژیم‌های مخصوص و دوزهای زیاد از ویتامین‌ها و مواد معدنی و عصار محصولات حیوانی و گیاهی همه با هم در گروه روش‌های بر پای بیولوژیکی طب سنتی و مکمل جمع شده‌اند. ماساژ، دستکاری (مانیپولاسیون)، استثوپاتی و کایروپراکتیک و... در گروه روش‌های بر پای بدن و دستکاری‌های بدن جمع شده‌اند. فرم‌های مختلف تمرکز، پس خوراند زیستی و هیپنوژیم به عنوان رویکردهای مربوط به جسم - روان فرض می‌شوند. هر

بیماران این قدرت را می‌دهد تا خودشان سلامت را انتخاب کنند. این باور وجود دارد که محصولات طبیعی آنها ذاتاً بی‌ضررتر و مطمئن‌تر از انواع مصنوعی‌شان می‌باشد و مراقبت دریک حالت کل نگر مهیا می‌شود، با این معنی که زمینه‌های احساسی، اجتماعی و طبی بیماری در طراحی طرح درمان درنظر گرفته می‌شود.

اولین مطالعه بزرگ آیزنبرگ در ۱۹۹۳ جامعه پزشکی را با نشان دادن آنکه بیش از ۳۰٪ امریکایی‌ها از روش‌های طب سنتی و مکمل استفاده می‌کنند، متعجب ساخت. مطالعات بی شمار بعد از آن زمان این نتایج را گسترش داده‌اند. مطالعه مراکز کنترل و پیشگیری بیماری (CDC) نشان داد که در ۱۹۹۹، ۲۹٪ از یک یا تعداد بیشتری از روشهایی که در بین آنها رویکردهای روحی (روانی)، گیاهان دارویی، کایروپراکتیک و ماساژ بیشتر شایع بودند، استفاده می‌کردند. بیشتر از ۱٪ تحت درمان طب سوزنی در آن سال قرار گرفتند. مطالعات در میان بیماران سلطانی نشان داد که ۳۰-۸۶٪ از طب سنتی و مکمل استفاده می‌کنند. مشابه آن، بین بیماران ایلزی، ۳۶-۹۱٪ گزارش شده‌اند که طب سنتی و مکمل استفاده می‌کنند. در بیماری‌های مزمن ویران‌کننده‌ای مثل اینها، وقتی طب مرسوم کاری نمی‌تواند بکند، از طب سنتی و مکمل استفاده ایجاد کردن امید درمان، کمک خواسته می‌شود تا طول عمر را افزایش داده و عوارض جانبی درمان را اصلاح کرده و راحتی فیزیکی و روحی ایجاد کند. با اینکه عده‌ای تعریف آنچه به عنوان درمانهای طب سنتی و مکمل نامیده می‌شود را تخلیلی (غیرواقعی) قلمداد می‌کنند، مطالعات نشان داده‌اند که امریکایی‌ها در تلاش اند تا جهت استفاده از این سرویس‌ها از جیب خود خرج کنند، با تخمین ۷ بیلیون دلار هر ساله برای ویتامین‌ها و مواد معدنی، ۴ بیلیون دلار برای محصولات گیاهی و دیگر محصولات طبیعی و تقریباً ۴ بیلیون دلار یا بیشتر روى مکمل‌های ورزشی. آیزنبرگ گزارش داد که هرینه کلی طب سنتی و مکمل در ۱۹۹۷ به ۳۰ بیلیون دلار رسیده است و همراه با افزایش مقدار وزیت‌های پزشکان CAM نسبت به پزشکان عمومی بوده است. ادامه دارد...

کدام از این سه حوزه طب سنتی و مکمل مشابه‌های قبول شده ای در طب مرسوم دارند از جمله: رژیم‌های کم چرب و کم کلسترول، درمان فیزیکی، روان درمانی (سایکوتراپی).

چهارمین حوزه به عنوان طب انرژی (انرژی درمانی) شناخته شده است که جهت انعکاس انتفاع از زمینه‌های واقعی یا مفروش انرژی می‌باشد. امروزه، مقناتیس‌ها مخصوص فرایند سلامت عموم هستند. با این حال در طول ۲۰۰۰ سال گذشته، زمانی که پزشکان یونانی اعتقاد داشتند که سلامت نیازمند تعادل خلطهای خیاتی است، پزشکان آسیایی جریان و تعادل انرژی‌های خیاتی را مدعی بودند و وسایلی برای اعاده آنها طراحی می‌کردند. طب سوزنی به اندازه‌های صحیحی که درون مدارها یا کانالهای مخصوص در جریانند شاره دارد، ریکی (Reiki) یک روش ژاپنی و تماس بهبود بخش و یک نمونه مدرن می‌باشد که مقصود آن تشخیص و تصحیح انرژی شخص با گذراندن دستان یک درمانگر ماهر بر روی بدن بیمار است. پنجمین حوزه، با تمام سیستم‌های جایگزین در طب، شامل مواد چهار حوزه دیگر است و هدفی مهیا کردن رویکردهای اولیه برای تمام نیازهای سلامتی می‌باشد. نمونه‌های غربی شامل درمانهای پیشرفته توسط آمریکایی‌های اصیل مثل هومنوپاتی و طب طبیعی می‌باشند. نمونه‌های شرقی از جمله طب آیورودا از هند، طب سنتی چینی و طب تبتی استفاده زیادی از تمرین‌های تمرکزی و محصولات گیاهی می‌کنند.

روشن‌های استفاده:

طب غربی معاصر، علی رغم موفقیت چشمگیرش، خاصیاتی دارد که می‌تواند بیماران را دلسربد کند. بسیاری بیماریها بخصوص موارد مزمن، درمان نشده و یا حتی ناکافی درمان شده‌اند. درمانهای موجود می‌توانند عوارض جانبی جدی تحمیل کنند و مراقبت‌ها موقعت و فاقد کیفیت‌اند. طب سنتی و مکمل علی رغم فقدان اثیاثش، مدافعان زیادی دارد زیرا پزشکانش خوش بین هستند. آنها زمان زیادی را برای صحبت کردن و تماس با بیماران قرار می‌دهند. طب سنتی و مکمل به

ورود طب مکمل و جایگزین به اصلی‌ترین مرجع علمی دانش پزشکی روز

قسمت اول